

ویلیام گلدینگ

برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل ۱۹۸۳

بعلِ زَبوب

(سالارِ مگس‌ها)

ترجمه

محمود آزاد مشرف تهرانی

(م. آزاد)

ویراستار: وحید طباطبایی



انتشارات نیلوفر

Golding, William	: گلدینگ، ویلیام،	سرشناسه
: بعل زبوب (سالارِ مگس‌ها) / ویلیام گلدینگ؛ ترجمه محمود مشرف تهرانی (م. آزاد).	: تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۴۰۱.	عنوان و نام پدیدآور
۳۷۳ ص	: 978-622-7720-22-8	مشخصات نشر
		مشخصات ظاهری
		شابک
		وضعیت فهرست‌نویسی
فیفا		یادداشت:
Lord of the flies, a novel, c1954.	: عنوان اصلی:	عنوان دیگر
: سالارِ مگس‌ها.		موضوع
English fiction – 20th century	: داستان‌های انگلیسی – قرن ۲۰ م.	شناسه افزوده
	: مشرف آزاد تهرانی، محمود، ۱۳۱۲-۱۳۸۴، مترجم	رده‌بندی کنگره
	PZ ۳:	رده‌بندی دویی
	۸۲۳/۹۱۴:	شماره کتابشناسی ملی
	۸۸۷۰۶۵۷:	اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

www.ketab.ir



انتشارات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

ویلیام گلدینگ

بعل زبوب (سالارِ مگس‌ها)

ترجمه محمود آزاد مشرف تهرانی

ویراستار: وحید طباطبایی

حروفچینی: شبستری

چاپ شاهین

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: nilofarpublications.com

درآمد

ویلیام جرالده گلدینگ^۱ به سال ۱۹۱۹ در شهرک سینت کلمبوس ماینور از استان کورنوال^۲ در جنوب غربی انگلیس، زاده شد. پدرش مدیر مدرسه بود و مادری با فرهنگ داشت. دوران کودکی در آسودگی و دورافتادگی از زندگی شهری گذشت. در دبیرستان مارلبورو^۳ درس خواند و به خواست پدر و مادرش در دانشکده بریزنوز اگسفورد^۴ دو سالی در زمینه علوم مطالعه کرد، که در زمینه‌سازی علمی داستان‌ها و حکایات تمثیلی او بی‌گمان اثرگذار بود.

گلدینگ پس از آن، رشته تحصیلیش را تغییر داد و به تحصیل ادبیات پرداخت. بعد از فراغت از تحصیل، مدتی به کارهای گوناگون اشتغال داشت و در ۲۳ سالگی مجموعه شعری منتشر کرد.

گلدینگ در گذر عمر به این فکر افتاد که آدمی خود باید شرایط و موفقیت‌های بشری را تجربه کند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۰ به نیروی دریایی پیوست و در رزمناو و کشتی‌های اژدرافکن و مین‌جمع‌کن خدمت کرد و در سال‌های

1. William Gerald Golding

2. St. Columbus Minor, Cornwall

3. Marlborough

4. Brasenose College, Oxford

پایانی جنگ، ناخدای یک رزمناو موشک انداز شد. در طی این سال‌ها، گلدینگ در حملهٔ متفقین به نورماندی شرکت داشت و از اردوگاه‌های کار اجباری دیدار کرد. ددمنشی‌های نازیان و خشونت‌های ناگزیر جنگ از هر دو سو، تجربه‌ای بس تلخ و دردناک بود. کشتارهای بی‌رحمانه، سیستماتیک و خون‌سردانه، از هم گسستن نظام‌های مردمی و استقرار حکومت‌های استبدادی و تحمیل ارادهٔ شخصی مجانبینی چون هیتلر به‌جای قانون، و تبعیت گله‌وار تودهٔ مرعوب یا مجذوب، چنان بی‌سامانی دهشتناکی پدید آورده بود که گلدینگ را به اندیشه‌ورزی در باب «سرشت بشر» برانگیخت! جهان هنوز از کابوس جنگ جهانی دوم نیاसوده بود که قارچ اتمی همچون کابوسی بر جهان سایه افکند.

نخستین پرسشی که گلدینگ مطرح می‌کند این است: به‌راستی زوال و تباهی تمدن بشری از چیست؟ و به زبان اسطوره و تمثیل پاسخ می‌دهد: در سرشت بشر!

ویلیام گلدینگ علاوه بر شعر، مجموعهٔ مقالات، نمایشنامه‌های رادیویی، داستان کوتاه و نمایشنامه‌های کمدی برای صحنه نوشت. اما با نوشتن «بعل زبوب»^۱ (۱۹۵۴) بود که پس از چهار سال شهرت عام یافت. هرچند از «بعل زبوب» در چاپ نخستین چندان اقبالی نشد (تنها ۳۳۸۳ نسخه در انگلیس و امریکا به فروش رسید) اما تجدید چاپ این رمان به قطع جیبی در سال ۱۹۵۹ جبران مافات کرد و بیش از ۷ میلیون نسخه فروش داشت و همچنان نشر آن ادامه یافت. در سال ۱۹۶۳ فیلمی از این رمان به کارگردانی پیتر بروک^۲ ساخته شد که شهرت گلدینگ را عام‌تر کرد.

«بعل زبوب» را ناقدان به‌عنوان اثری نوکلاسیک ستوده‌اند. سال‌های سال این رمان، میلیون‌ها خواننده پیر و جوان را مجذوب خود کرد.

1. The Lord of Flies

2. Peter Brook